

که عبارت از انواع آجر
های خود را تا آخر وقت
کردن جس بعهده داشته
ند صندوق اداره حساب
ن سپرده ترتیب اثر داده
باز و خوانده میشود -

ت فرهنگ

وی - کاغذ که در
نوار زینال پنهان سپرده
که تاریخ یکشنبه ۲ خرداد
برسانند و صورتیکه بر نامه
بند غریبتر خواهد بود

اداره کل پخش

۳۰ بخش ۳ از اراضی

ت

بل از طهرانی طهر

مور بهرسانند

لاک تهران

کرایه گرفته نمی شود

نودنه مسافری می تواند

ان

چهار دهه دکان دارای

آقای استالو پیر مرد

بهشت ماه ۲۶ در شبه

بالت حراج نیست میزاد

دین شین شده حاضر شده

۳-

بهاله داودی

کل مالیت های غیر مستقیم

طالبان نباید مراب

ق مقررات و فنون شود

های غیر مستقیم

آب شاه جیت آخامین

ایه

جده و تا آخر وقت اداره

ی واقع در خیابان شاه

اره نامبرده باز و فرات

گودون و جوهر نیک

دکله شهرستان گرگات

دکله استان ۶ - ۱۲۰۰

به ماه از تاریخ انتشار

رسیدگی بپیل خواهد آمد

وز است

له استان ۶ - ۲ مطبوری

جای اداره
میان لاله راز کوچه مهران پاستور
تلفن ۶۰۲۹
تک شماره یک ریال

سال یکم - شماره ۹۱

چاره جز کوشش و ایستادگی نیست

یکی از خوانندگان برجسته ما من گفتگو کرده چنین میگوید: گفتارهایی را که می نویسد میخوانم. ولی مردم اینها را نمی پذیرند. آن شرحی را که در باره « فضا و فضا و فضا » نوشته بودید من در خانواده خودمان خواندم. ولی نتوانستم آنرا را قانع گردانم. بنفیده من نوشتم و گفتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم و آنها را نگرانیم با این ضایع بزرگ شوند.

می گویم ما در اینچند سال آزمودیم و دیدیم حقایق را که می گویم مردم به دست می گردند. بنگسته همینکه می شنوند آنها را می پذیرند و در پیرامونش بگوششهای می بردارند. بنگسته معنی ایستادگی سوده سبب می پذیرند. بنگسته هیچکدام پذیرفته همچنان در پیروی از اندیشه با می فشارند.

از اینها میباید مردم به گونه اند. یکی آنرا که فهم و خرد و نیروهای خدادادشان بپوش خود باز مانده. دیگری آنرا که نیروها از آفتاب افشاده سومی آنرا که سیکلوفیم و خرد و اینگونه نیروها از دست داده اند. چون مردم بپایان سه گروه اند و برابر حقایق نیز به دست نرسیده می شوند. و گرنه طبیعت پژوهی یکی از اتصال فطری آدمی میباشد.

هر چه هست ما باید حقایق را بگوئیم و بشر آنها بگوئیم. و هر مرد یا فرد و غیره که نیز به بازی کند. این وظیفه سنگی ماست و راه چاره ای برای خود جز این نداریم. تا این اندیشه های پست و پراکنده در مابین این توده روی و مستکبری نخواهد دید. این کارها به تنهایی و در سرخود داشت. و آن اینکه مسئله تپه من و تپه درون شناخته شده از دیگران جدا گردند. آنست که سبب فهم و خرد و نیروهای فزایشان تپه گردیده و حقایق گردن نمی توانست گراشت شناخته و جدا باشد. این خود سودهایی در پی دارد.

اما زبانی آنان یکسانی را که چنه بار از چنه زبان شنیده خواه و ناخواه نرم گردند و گردن گردانند در این باره زبانی گاهی ندیده و جای گله ای از ایشان نیست. چیرهایست از زبان مردان فتنه و دودل جای داده اند و کتون که حقایق را بشنوند ویر با زود و دلای خود جا خواهند داد. قضا میبخواهید تنها یکبار گفتن پس کنید و از یک اولت تنگی که رو داده دلتان شده اید و میبخواهید سیر اندازید. اینها از آنست که اهمیت این حقایق را در فکری بایست. دوباره می گویم: راههایی برای این کشور جز میفرود پا پندارهای پراکنده و نشر حقایق نیست. آن جانشانی و پافشاری که دیگران در جنگها بکار می برند ما باید در راه اینها بکار ببریم. دشمن بزرگ ما این گمراهیهاست. باید با همه توانایی خود با آنها بجنگیم.

شا با یک تپه مادر یا مادر زن از میدان در رفته اید. ولی باید از شکست کاسه و کوزه و از بر انداختن چراغ و سوار هم تریه و گشته خود را دنبال کنید. ما کسانی را می شناسیم که بر سر همین مضامین کارشان با همراشان با یک گفتگوی حلقه کشیده و با انتظار از ایستادگی بر سر کرده اند. این چه زبونیست که نتواند مادر و همسران را با خود سوار گرداند. چرا نمی بینید آنرا که فتنه به « فست » و « بنت » و « در نوشت » دارند و از زبان و مفاصل و امراضه کشایش کار می کنند. یک آسبی برای خواننده « چرا نمی بینید که از زبان زنی جز زبان امید نتوان داشت ».

می گویند: « پس کارها دست خدا نیست ». و با این جمله هم می کنند. باید گفت. جیلن خدا اختیار را بدست شما سپرده. این آیین را همان خدا گزیده که شما اگر از راهش بگوئید و با این پندار خود را در معرض ماست بیاید. بی پروا نشیبه زبون و خوار باشید و نگهدار دیگران گردید. شما میبخواهید دست از تنبلی و هوساری بر ندارید و آتوق پیرمانه گناه را بگردن شما انداخته بگوئید. او چنین خواسته است. پس ای پسران خدا متشکر است که شما را زبون و انداخته خواهد.

اما اینکه می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

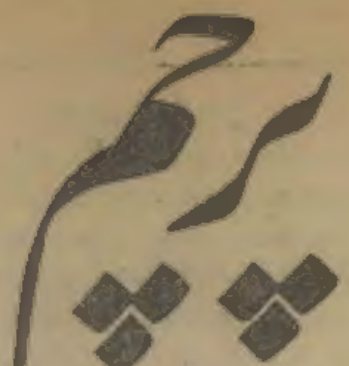
پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.

پس از اینها می گویند: « گفتن و نوشتن برای اینها فایده ندارد. باید در فکر چه ما باشیم ». دوست نیست. زیرا خدا اگر توبه برگیرد و از این پندارهای سیوده دور گرداند بهیچ راهی نخواهد توانست ویرا چه ما با دست آنها و در میان آنها بزرگ می گردند. مگر شاید عزا از مادرها و مادر بزرگها جدا نخواهد گرداند. از این گذشته مگر روزگاری شما آن فرصت را خواهید داد که بتوانید یک بزرگ نویسی پیدا آورید. شما با این آلودگیها مگر پنجاه سال دیگر خواهید ماند که چه مانع بفرموده بار آورید. مرا شکست انداخته که شما بدام اندرید و در نی بایست. شکست افتاده که خطی خود را نمی بینید. بدایه ای ایرانیان. اگر بروی تکانی بکود ندیده و بنگسته باز و خردمندی همدست گردیده رفته کارها به دست بگیرند و باین آلودگیها چاره نکنند دیگر فرصتی برای شما باز نخواهد ماند. این را نمی نویسم که توبه گردید. می نویسم که تکانی بخورد دهید.



دانشمند و نویسنده کسروی تبریزی

اسرار استتقاق

دادگاه (۵۱)

میلر میدان آن شخصی که اولین بار وجود این

جمعیت را کشف نمود و گزارش داده است دوست تومانی

اتحاد گرفته اند ما باید از همین نظر او بیاییم کیم تا

ساده خاطر خاطر ملوک را سکندر گردانیم و برای خاطر

جسمی گستاخ و شک ناشی از کانی خود را بر بادیم

این گفتار رئیس محکم در تپه ها همه اعضاء آن تاجر

کرده همه در فکر فرو رفته سکوت مطلق غالب شد

روح ما در حال اضطراب افتاد احساسات ما انتظار خود

را از دست داده اصاب و دلای مایه سوده و بریشان

میشد از تمام حلقه هستی جز خاطر وطن با ما همراه

نیوید. نییمانم چرا این خاطر را فرو می نشاندیم

این لفظ عزیز و گرامی چه حکمتی مکنتم است

ماهیکی دست از چنان شسته بودیم برای آخرت

روز با آخرین ساعت های زندگانی دایای پراز ظلم و زور

گوئی را میگریستیم

حسرت صرنا ما میگریستیم بدون آنکه کاری انجام یابد

و با اثری جز انزوه و سوگواری صعب وطن ما شود

ما میگریستیم و هزاران جوانانی مانند ما ولی این اجتماع

افسرده و دلبرده همچنان در بر آتش میاد و استداد

میسود و خفه میشود

عاقبت رئیس محکم پس از آنکه یکت و تفکر گفت

من از راه اضطراب و ناخوشی این پیشنهاد آقایان را می

پذیرم و تشکیل مسجد محکم را بفرماد فرما موقوف

نییمانم. دادستان محکم از این پیش آمد باشتانگرسنه

شد زیرا معنی رحمت کشیده و نظم و ثمری بنیوان ادعا

نامه ساخته بود اکنون حیف میدانست که در یک جلسه

فیر و سی بدون آنکه ترتیب اثری بگیرد آنرا خوانده

باشد

مجلس پایان یافت و اجازت داده شد که متعین از

اطلاق محکم خارج شوند. شیخ پیش از همه از اطاق

بیرون رفت و با یک خیز مانند هیوان خود را با بعضی

خانواده ها رسانید

من نتوانستم چهشتی بلای کرده بود. هیچوقت فهمیدم

با قول عرف اقلیتان داده بود که فردا نام متعین را

تیره خواهد نمود و چون استاده نطق خواهد داد اما

یک تکاپوی از ملول بود و بیشتر از همه جلب توجه می

کرد و آن این بود که بیشتر از همه سرگرد عناصر

تروانه میگریست و شک آنان را بیش از دیگران سر

سبه میرد

خلاصه مطبوری و انوار میکار که حتی از پدر و خانواده

نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت

ویرزبان نامن بآبک او را از دست سپردند و چنان می

پدا شدند که او جوانان را نطق خواهد داد و ارامند

هنگام خواست که وی دروغ میگفت پس از چند دقیقه

اتومبیل زدن در بیرون در دادرسی توبه نمود ملا

امر بر رفتن و حرکت سوی زندان شدند مایل دیگر پس

از چندین ساعت نطق انواع شانه روحی بلای بریشان

واضعی فرسوده بلزهم سرگشته و لاکتیک هم بیرون

رفتند

ما میرویم و صدما چنان اشک آلود از طب سرمی

نگرند چه میگریست و پیر زبان و پیر مردان افان و

خیزان پشت سر ما میباید و از جوانان خود دل نمی کند

و این چندصغره برون و برون کردن و احمیت میدانند

این بلزهم بلای آشته و خاطری بر او آشوب و اضطراب

سوار اتومبیل زندان شدند. این هیولای شوهر و حشاک

ملا سوی زندان کشانیدیم تا نسیم از کدام راه میرفتیم

هیچ چیز را احساس نمی کردیم احساساتم انتظار خود را

دست داده بود خاطران تلخ و ناگوار از در احساس میر

میکردند. افکار و عوام ملطع وی بانی احساسات مرا

مشغول میداشتند. اندامی میباید از آفتاب و انباشای آن

و زواری خاطر اندام

ایشا علی الظاهر است بود و آشکارا نمی توانست اند این

فیل کارها را یکته ولی زنان و انشای زود بلور چون

از راستی ها آگاهی غاشته اند راه پیدا کرده و منظور

خود را علی می کردند و کی حالا بطور آزاد این کار

خود را تعجب می کردند اما اینرا هم دولت جردی ای فیل

انشای را جلب و بیکار خود برساند

تهران یکی از خوانندگان

تهران یکی از خوانندگان

تهران یکی از خوانندگان

تهران یکی از خوانندگان

تهران یکی از خوانندگان

تهران یکی از خوانندگان

یکی از کسان برجسته تاریخ

مشروطه پرمغان را باید شمرد

ایشرد از شارچند کیست که

شایسته نام د فرمان مشروطه

هسته پرمغان هست در سال

اخبار تلگرافی دیشب

مسکو - اعلامیه اداره اطلاعات دولت شوروی که روز هفتم ماه به انتشار یافته چنین اشلر میگردید آمده شده است.

مسکو - خبرگزاری شوروی خبر می دهد واحد های مایلی دو روز صلیت در چند منطقه از جبهه شمال باختری نزدیک پیاوند افسر و سرباز آلمانی را تلف کرده و هفت لوپ و ۲۴ شیشه انداز و ۵۶ مسلسل و ۵۳ تنگ خودکار و ۱۳۰ تنگ های و دو دستگاه انگراف ی سیم و دوست نارتیک و یکبار پیاوند مین و بیش از بیست هزار تنگ از دشمن گرفته.

واحد های شوروی طی صلیت دو یکی از مناطق چپه کالین حمله مقابل دشمن را با احرار موافقت دفع کردند. آلمانی ها در این روز بیش از یکصد کشته در میدان جنگ باقی گذاشتند. دو منطقه دیگر هم واحد های نروپا تحت فرمان برزین یک تنگ دشمن را نابود کردند. کارکنان تانک های شوروی بر مانع ستوان (ایلیوین) و گروویان یکم (شوالو) میجه سنگر زور پوش و بیست و چهار مسلسل و سه توپ ضد تانک را نابود کردند و یک ایلر مینت را ویران کردند.

(یوگراف) یکی از سربازان سرخ یک تانک آلمان را از کار اساخت و شب هنگام به راهی (چکسلاف) و (یلی پت) بر یک تنگ آلمانی حمله کرد و آن را نیز از کار اساخت طولی کشید که آلمانی ها حمله پرداخته ولی این سربازان دیر بدشمن شلیک کردند و یک دست از نیروی پیاده دشمن را نابود کردند.

مهندس (دکتیار نکر) و مهندس (ادجاریکو) بیست و هفت سرباز نازی را در عرض چند روز نابود کردند و مهندس (پاتیش) و مهندس (مفوتن) شش آلمانی را کشتند. (دوشکا) که یک دست از جنگجویان غیر نظامی شوروی است و در ناحیه اسولسک متعول صلیت می باشد طی یک دست بیش از سیصد سرباز نازی را کشت این مین برستان شوروی یک توپ و سه شیلر انداز و چندین مسلسل و دو دستگاه انگراف و سیم و غنائی دیگر دست آوردند. (کورت سوبکیس) سر جبهه گرومان یکم تنگ (وچلند) از لشکر حمله آلمان بشرح زیر اشلرانی سوده است. من دو ایلر ماه زانو به با گردان گنگی سیه آمدم اغلب سربازان این گردان بیش از شش ماه نظم نظامی نیفته بودند در طی مقن و تلیم با آنها گنگی سوده که گردان آنها پر از سیه اعزام خواهد شولی هنگی که سیه روسیه در سده شده اگر چه از ایلر اسباب خود منبر سیده ولی این مشت آنها را منبر و خشکی کرد اخیرا روسها در دست جبهه ما بوسیله تنگ حمله شدیدی سوده گرومان ما خون سردی خود را از دست داده فراوان اشلر کرد. من دو سنگر باقی ماندم و هیکه سربازان روسی مرا دیدند با کمال میل فوراً تسلیم شدم ملت تسلیم شدن من آنست که حلقه از جنگ شسته شده و دیگر میخواستیم جنگ کنم.

بازطوریکه خبرگزاری شوروی اطلاع میدهد نازیها با سربازان شوروی که اسیر می شوند به شش و هفت میباشند در (دوشکا) (چولازو) واقع در منطقه (اسولسک) که از دست مهاجمین پس گرفته شده است بیست چند سرباز شوروی در زیر زمین یک غارت کشف کرده اند است بروی جسد این سربازان آثار شکنجه های وحشیانه دیده میشود. برار اشلر اهالی این دوشکا نازیها بیش از این که سیران جنگی زخمی را دوزیر زمینها بکشد مدنی آنها را شکنجه میکردند.

لندن - سربازان تلگراف خبرگزاری انگلیس روز یکشنبه در ساعت ۱۹ ساعت گرت گرت چریل نقلی در مقابل رادار ابراد شواهد کرد.

لندن - آژیت نگارنده نظامی خبرگزاری انگلیس چنین میگوید:

جنگ دریایی که از چهار روز پیش از این در دریای مرجان ادامه دارد ممکن است در وضع خاور دور اثر فوق العاده ای داشته باشد.

این نکته بدیهی است جریان آمده جنگ در خاور دور از همه حیث بیست تنوع در دریافت. زاپها بر اثر حمله عاتق خود به پیل هاربر تونق دریایی را از آن خود کردند و این تونق بر اثر غرق دو ناو برسی اف و ولز و دیلز و ناوهای کوچکتری که طی یکبار های جدی از دست متغین رفتن تونق گردید لیکن این تونق قرار نبود که مدتها برقرار بماند و کم کم متغین تلفات بسیار سنگینی نیروی دریایی را بیاورد آوردند. از اشلر اشلر طریق چنین بر میآید که نیروی دریایی که در دریای مرجان در گرفت دامنه بسیار وسیعی داشته است این مسئله که ناوگان آمریکا در واقع در مقابل ناوگان ژاپن ملوژده طلی کرده است نشان میدهد که بقدرایش نیروی خود اطمینان داشته است. طی صلیت جنگی ۲۴ ساعت اخیر هیچگونه اتفاق جالب توجهی رخ نداده است. بر اثر سقوط دیکو سوارز جنگ درماداکاسکار موقتاً متوقف شده است.

درلی کشندهای طرفین فعالیت دارند و اعلامیه شوروی حاکی است که اغان قلیل ذکری رخ نداده است.

مسکو - خبرگزاری شوروی خبر میدهد مقامان حمله قصبه شیرستان کشنده واقع در لیستان بر نیروی متصرف آلمانی شوریده اند این شورش از آن روی صورت گرفته که آلمانی ها تمام اهالی این شهر ستان را بطور دست جمعی احرار کرده و اراضی و اموالشان را ضبط نموده اند و طغان هم نامورین شایسته و باستانی را که هم ازانان بوده اند کشته اند هنگامی که نازیها برای فرو نشاندن آشوب وارد آن محل گردیده اند و غالی یکه اند زیرا مردم آن چنین کار کرده اند.

آگهی

مجموع اهالی تهران که مدعی هستند ناکون نامور برای توزیع کوبن بخواه آنها مراجعه نکرده است اطلاع داده میشود که از این تاریخ تا بیست و سوم اردیبهشت ماه میتوان به برزن های مربوطه که صورت آن در زیر نام برده می شود مراجعه و آدرس صحیح خود را در مقابل گرتش رسید تسلیم نمایند تا نامور مراجعه نماید بدیهی است کلیه شانس نامه های خانواده باید قبل از منزل باشد که موجب معطلی نامور نگردد.

بیش یک	برزن یک شهرداری
دو	برزن دو شهرداری
سه	وزارت بازرگانی
چهار	برزن سه شهرداری
پنج	دستان وازی
شش	برزن چهار شهرداری
هفت	دستان معنی پادشاه
هشت	مدرسه و طبایع
نه	بروزشکله شهرداری
ده	برزن شیران
یازده	شهر دی

شماره ۴۲۹ - ۳-۱ اداره کل پست

آگهی اختصاصی

چون تعدید حدود یکپایه باشد ۲۵۳۷ بخش ۵ مورد تقاضای آقای هیداش که مع الواسطه جدا آقای حسین فردوست انتقال قطعی یکه است حمل نیامده است و از طریق هم طبق ماده ۱۵ قانون نمیتوان عمل نمود لذا بر حسب تقاضای کنی ایشان صلیت تعدیدی در روز ۲۱/۳/۱۲ ساعت ۴ قبل از ظهر الی ظهر در محل شروع و بعمل خواهد آمد.

بدینوسیله ببالک و مجاورین آگهی میشود که در روز وساعت مقرر در محل حضور بهرسانه تاریخ انتشار ۲۱/۳/۱۲ ش ۴۳۰ رئیس بخش غرب ثبت املاک تهران

باغ فروشی در شمیران

باغ معصور به مساحت ۱۹۰۰ متر دارای صارت تازه ساز با ۴ اطلال و سایر لوازمات و حمام در مقابل رود مزار و بابل وجه نقد یا خانه شهری هم معاوضه میشود طالبین بهنگاه استیضایی خیابان اسلامبول ورود از پاساژ مرکزی مراجعه فرمایند. تلفن ۵۳۱۸ شماره ۴۳۱

آگهی مزایده

شهرداری تهران زمین مشروکه مساحت تقریبی ۸۱ متر مربع واقع خیابان فروین مجاور ملک آقای رضا صلائی را بآحد اقل شصت ریال از طریق مزایده فروش میرساند.

داوطلبین بپرداخت یکبار ریال سیده صفوق اداره در آمد یابنی برک شرایط خرید را از اداره املاک و امور قضائی گرت پیشینده شود را بحدید میرسد سیده ناظر ۲/۱۱/۲۱۲۹ در صندوق ثبت طرقت هزینه شهرداری پیشیندها ساعت ۱۶ صابروز بآر و خواسته خواهد شد مالیات مزایده سیده خریدار است به پیشینده های بدون سیده و چنگ بچای سیده ترتیب اثر داده می شود شهرداری در رد و قبول پیشیندها مختار خواهد بود در صورت اسباب مزایده و امتناع از انجام مدافعه مبلغ سیده سود شهرداری برداشت می شود شماره ۴۳۲

۲-۱ شهرداری تهران

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۲/۲/۲۸ و ۱۳/۲/۲۸ آقای مرتب علامت منقذ درخواستی شماره ۱۱۳۶۳۰ تعدید و بسته و نوشت شناسنامه و بر ششله و اصل شناسنامه ناطله متوفی گرافی حصر وراثت را درخواست نموده و توضیح داده که مرحوم رضا منقذ غرض حاج میرزا محمد صفقی در ۱۳۰۳/۱۱/۳۰ در تهران از تنگدانی خود فوت نموده و وراثت او منحصراست پدر خواست کننده و آقای هدا الصین منقذ دو سیر و بنا بر مقری صلاقی سیه و زهر اشع الاسلامی زوج متوفی لذا مراتب را به نوبت متوالی در محله و سیه و یکی از جرایب معنی با آگهی میرساند چنانچه کسی را بر وراثت و انحصار نابردگان بالا اعتراضی باشد ظرف سه ماه از تاریخ انتشار تعین آگهی اعتراض خود را بآحد گاه تسلیم نماید و چنانچه وصیت نامه از متوفی فرد کسی موجود است که تا این تاریخ رسا ابراز و انتضاح نشده ظرف هفت مدتی بآحد گاه بعد از انقضای مدت هر وقت نامه جزومسی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و گرامی درخواست شده صابر میشود شماره ۱۶۱ نوبت سوم ۲۱/۲/۲۸

دادوس شبه ۵ دادگستری تهران - آکبر دانراشت

برای فروش است

یک دستوران با شرایط سهل فروش میرسد طالبین به نگه استیضایی در خیابان اسلامبول تلفن ۵۳۱۸ مراجعه فرمایند شماره ۳۳۴

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تعدید حدود ششانه مزده داشت بشماره ۱۶۳ اصلی که بیج دانت مشاع از ششانه آن مورد تقاضای آقایان عمرالی و صلی علی و شکر علی و لیلی (کبی) است در موقع مقرر صلی نیامده و طبق ماده ۱۵ قانون نت هم نمیتوان عمل نمود لذا بر حسب تقاضای کنی آقای عمرالی احد از متقاضیان صلیت تعدیدی مزده مزبور در روز شنبه نهم خرداد ماه ۱۳۱۱ ساعت ۴ قبل از ظهر در محل شروع و عمل خواهد آمد بدین وسیله ببالکین و مجاورین آگهی میشود که در روز و ساعت مقرر در محل حضور بهرسانه و تقاضای نسبت به حدود طبق ماده ۲۰ قانون ثبت بدینتر خواهد شد شماره ۴۳۶ رئیس ثبت عدالت جلالی

آگهی مزایده

اهالی ششانه ملک صارت و طویله و بهار نه بآحد ۵۷ - ۱۶۹ ملک آقای با آکین تراجی واقع در میان جاده که تقاضای ثبت شده و در اجاره هم نباشد طبق مقررات در روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ماه دو ساعت قبل از ظهر در شبه ثبت کرج بطور مزایده فروش میرسد طالبین میتوانند در روز مزبور در شربه حرکت نمایند و حراج از مبلغ ۹۹۸۰ ریال شروع خواهد شد. تاریخ انتشار پنج اردیبهشت ماه ۳۲۱

شماره ۳۵۱ نوبت دوم ۲۱/۲/۱۵ رئیس ثبت کرج شیخ الاسلامی

آگهی

شماره پرونده - ۲۷۹۹۱۷

دادسرای استان ۱ - ۲ از دادنامه شماره ۱۶۲ - ۱۷۵۳۰ صادر از دادگاه شهرستان گراکات بر محکومیت زهرا دختر حسین علی منته بمرتق زوروشی خواست و رسیدگی شبه ۸ دادگاه استان ۱ - ۱۲ ارجاع شده چون محل اقامت مشار الیه تغییر معلوم است بدین وسیله اشلر میشود که در ظرف سه ماه از تاریخ انتشار آخرین آگهی در شبه ۸ دادگاه استان ۲ - ۱ برای رسیدگی حاضر شوند و رسیدگی پس خواهد آمد و ضمناً تذکر میدهد که الاطلاق مدی فقط یک مرتبه آگهی خواهد شد و بعد آن در روز است.

شماره ۴۱۶ مدیر دفتر ششبه شش دادگاه استان ۱ - ۲ ظهوری

شربت چایچانآباد

تلفن ۷۴۵۵

آگهی

نظر باینکه طبق مقررات ماده ۱۸ قانون مالیات بر درآمد و حق تعبر مصوب ۲۹ آبانماه ۱۳۱۲ و تبصره ۲ ماده ۲ قانون اصلاح قانون مالیات بر درآمد مصوب ۲۸ اسفند ماه ۱۳۱۷ و ماده نهم قانون متمم بودجه سال ۱۳۲۰ کلیه مؤدیان مالیات بر درآمد کشور اعم از بازار گانان - پیشه واران - صاحبان مشاغل آزاد و همچنین صاحبان مشغلاتی که در آمد مشغلات آنها مشمول مالیات بر درآمد میگردد و غیره (باستثناء شرکتهای رسمی و پیشه واران جزء) مکلفند تا ۱۵ خردادماه سال ۱۳۲۱ اظهار نامه مالیاتی خود را نسبت بدآمد سال پیش بداره دارائی تسلیم و مالیات متعلقه را تادیه نمایند از این رو توجه مشمولین مالیاتی را با اجرای این تکلیف قانون جلب و به آنها خاطر نشان میشود که در ظرف مهلت مقرر برای تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات متعلقه به ادارات و دوایر زیر مراجعه کنند:

۱- بازار گانان - پیشه واران - صاحبان مشاغل آزاد. صاحبان مشغلات که علاوه بر درآمد مشغلات درآمدهای مشمول مالیات بر درآمد دیگری نیز دارند و همچنین کسانی که درآمد آنها منحصرا از مشغلات تحصیل ولی میزان درآمد آنها سالیانه از مبلغ ۳۰۰ ر ۱۰۴ ریال تجاوز مینماید و بطور کلی سایر مشمولین مالیات بر درآمد معین مرکز به اداره مالیات بر درآمد تهران واقع در لاله زار کوی معمر.

۲- مشمولین تبصره ۲ ماده دوم قانون مصوب ۲۸ اسفندماه ۱۳۱۷ که از ممرهای مختلف تحصیل درآمد کرده و مالیات را به نرخ مجموع در آمد های خود پرداخته اند بآحد ما به التفاوت واقع در خیابان شاه محل اداره کل مالیات مستقیم.

۳- مؤدیان معین شهرستانها بطور کلی به اداره دارائی مالی محل اقامت خود. سر رسید پرداخت مالیات شرکتهای رسمی ۱۵ تیرماه ۱۳۲۱ میباشد و شرکتهای نامبرده مکلفند تا سر رسید مزبور ترازنامه و حساب سود و زیان دوره عمل سال پیش خود را به انضمام مالیات متعلقه در مرکز به اداره شرکتهای واقع در خیابان شاه محل اداره کل مالیات مستقیم و در شهرستانها به اداره دارائی مالی محل تسلیم نمایند.

طرز پرداخت مالیات پیشه واران جزء ضمن آگهیهای عمومی و انفرادی به مشمولین مربوطه اطلاع داده خواهد شد.

بدیهی است مؤدیانیکه در انجام تکلیف مصرح در این آگهی تسلف نموده و یا کسانی که اظهارنامه یا ترازنامه خلاف واقع تسلیم نمایند در آمد آنها از روی نشانی های قانونی رأسا تشخیص و در این صورت علاوه بر مالیات مشمول جرانی خواهد گردید که حداکثر آن یک برابر مالیات پرداخت نشده است. شماره ۳۳۱ ۴-۱۵ اداره کل مالیات مستقیم

آگهی از طرف باشگاه هواپیمائی کشوری ایران

مطابق ماده دوم اساسنامه باشگاه هواپیمائی کشوری ایران از ایران و آلبان که کامند رحمت باشگاه هواپیمائی بوده و با کارمه شایسته و دارای یکی از مقامات مذکور در ماده ۵ اساسنامه هستند دعوت میشود که برای تشکیل شورای عمومی باشگاه هواپیمائی در روز پنج شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۱۱ پنج ربه از ظهر در باشگاه ایران واقع در خیابان صدی حضور بهرسانند.

دستور جلسه شورای عمومی پس از برگزیدن رئیس و نائب رئیس و فون دیر از اینرا است.

- ۱- رسیدگی به گزارش هیئت مدیره مرکزی باشگاه و گزارش بازوستان و تصویب تراز نامه سال ۱۳۲۰ باشگاه هواپیمائی.
- ۲- برگزیدن ۹ تن کارمه هیئت مدیره مرکزی باشگاه و سه تن بازرس برای مدت یکسال.
- ۳- تصویب روش عمومی باشگاه هواپیمائی و شور دوسالگی که برای باشگاه معید باشد.
- ۴- اصلاح و تبیر برخی از مواد اساسنامه.

رئیس هیئت مدیره باشگاه هواپیمائی کشوری ایران - حسین علا شماره ۱۲۸ ش ۳-۱

آگهی

تاریخ ششم فروردین ماه یکبار و سیده ویست و یک آقای حاج سید محمد هدایی دارای شناسه ۱۰۹۱۸ طبق تقاضانامه شماره ۱۲۰۱ ساله ۲۰/۱/۲۶ بسته پرسش نامه و نوشتن صحت شناسنامه تقاضای تصدیق حصر وراثت نموده بدین توضیح که بانو زید هدایی سیه میرزا احمد در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۲۰ وفات یافته و متقاضی زوج و آقایان سید اصغر و سیه مصطفی هدایی دارندگان شناسنامه ۱۰۹۲۲ و ۱۰۹۲۱ بهرمان و غائبی رحمت خانم و محترم السادات باقیه و احترام السادات باقیه دارندگان شناسنامه ۲۳۹ - ۱۰۹۲۴ و ۱۰۹۲۵ دختران متوفات و وراثت منحصرا ش میباشند لذا مراتب در مدت سه ماه مدعی بکسرت در سیه رسمی و زور دادگستری و یکی از روزنامه های مرکز با اطلاع میرساند چنانچه کسی نسبت بتقاضای مزبور اعتراض دارد در سه مرقوم تقدیم والا پس از انقضای مهلت گواهی نامه صادر خواهد شد و نیز در صورتیکه وصیت نامه از متوفی تراکم موجود و تا این تاریخ رسا ابراز و افتتاح شده در همان مدت بآحد گاه تسلیم نماید و بعد از گذشتن مدت مزبور وصیت نامه با ششانه وصیت نامه رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

نوبت دوم ۲۱/۲/۲۱ ش ۲۹۹ دادرس ششبه اول دادگاه بخش طهران آکبر دانراشت

چگونه

در سال ۲۰۰۴ رفته چون با هم شش نوبان و نویسندگان نیز این مدت گوشه نشانی و عتابان بیست و یک روزنامه نویس باو پاسخ دوس وطن پرستی و نافرمانی اجرا خود کرده چهار عقیده پیدا شده و هر دوس تا از چون عقیده روشنی نم میخواهد ما اینها یک آن را بدست آوریم اکنون آن اوست. آری مردمی که بکار برند. سزااست که اینست من و ایرانیان وطن آن نوشته تقاضوت نمایند. چنین از و طنهایی آن گفتگو و ایرانیان این عقیده های کتابها و دلها با گرفت و می کند که آنها را بپندار ما بچرم را دوست میداریم خواندگار خود بعضی شناسه کرده این نشانی و کتابهای زمان سلجوق را نیز دانده کار خود و بهم و من خود می دانم از ویا ازستان رسیدیم بهم چیریت با بخواهید این دو گفتار و کسی اگر به چهارم داشته و آنکند خود به عقیده بخواهید بیکبار بکارهای بردارید. چنین فرض آمده گردیده که بر چنین می گوید. ۵ ای کاره است شاد است. ش فروشت و حرمش به که از هیچ تا خام صفا بداند پس گته شده و آنچه غلبه بر است بخواند و بشود بپاشید و آن آتش را بهانه م. فرمک

چیزیکه درش سره بدی هست با وجود آن نباشد که متکرر وجود خوبی است و بدی اما را با هم اشتباه میکنند کشوری دوست میفرمایند دیدن آن در جهان و از شهر و دیاری مردم از اگر دو تفکار صبر پس ها زیاد بر میخورید بود همیشه که راستی چیزیکه ما با نایب است نیز میماند بعضی ملا میده. این برای چیست این برای آست شریکند خوبی و بدی و اثر دارو و حیواناتی را و بیار و نا خوش می به هم اخلاق میکنند. پس بهینطور که و دوری بیکسیر و غربت و اخلاق هم بهمان به شمیم در جاتی که به اخلا است و میشود این جرق اخلاقی خوب بد را چون این خودش خیلی